

توانمندسازی در اسکان غیررسمی

تجربه زاهدان

مهندس فرزین خضرای

پیشگفتار

در اسفندماه سال ۷۸ انجام مطالعات طرح ساماندهی محله بابائیان زاهدان بر عهده مهندسين مشاور معمار عرش نهاد شد. تا آن زمان، مطالعات ساماندهی سکونتگاههای نابسامان عمدتاً بر مداخلات و ساماندهی کالبدی تکیه می‌کرد و مباحث توانمندسازی و فقرزدایی، هرچند به عنوان نظریه و روش مورد بحث و گفتگو قرار گرفته بود و در مواردی نیز در زمینه‌های اجتماعی در این زمینه تلاشهایی انجام شده بود، ولی در قالب مطالعات شهرسازی، به نحو بایسته‌ای مورد توجه قرار نگرفته بود. در فرایند انجام مطالعه یاد شده در بالا، مهندسين مشاور معمار عرش به انجام تجربه نوینی در این زمینه توفیق یافت که به گشودن سرفصل جدیدی در فعالیت‌های سازمان عمران و بهسازی شهری، به عنوان متولی بافت‌های شهری، انجامید. این تجربه جدید با حمایت سازمان عمران و بهسازی شهری و مدیریت شهری زاهدان، به عنوان مبنای تنظیم راهکارهای اجرایی مورد تاکید قرار گرفت. مقاله حاضر در سه قسمت تنظیم شده است. در قسمت اول، به فرایند انجام مطالعات اشاره شده است؛ در قسمت دوم تجربه این مهندسين مشاور در فرایند اجرایی طرح و مشکلات پیش رو توضیح داده شده است؛ و در قسمت سوم

صورت‌بندی پیشنهادی در مورد خطوط کلی رهیافت به معضلات سکونتگاههای نابسامان ارائه شده است.

فرایند مطالعات

محله بابائیان زاهدان به مساحت ۲۰۰ هکتار و با جمعیت ۵۲۰۰۰ نفر، قدیمی‌ترین و به بیان دیگر، نخستین سکونتگاه نابسامانی است که در دهه چهل در زاهدان شکل گرفته است. بنابراین، تاریخچه روند توسعه ناپایدار زاهدان در چهار دهه اخیر را به نحوی بازگو می‌کند. در داخل محدوده قانونی شهر قرار دارد و به کوهپایه‌های زاهدان ختم می‌شود. در فصل مشترک محله بابائیان و شهر زاهدان تفاوتی در ویژگیهای دو پیاده روی طرفین خیابانها وجود ندارد. بابائیان دارای چهل سال تاریخ در حوزه فصل مشترک خود با شهر است. منتهی‌الیه این محله، در جوار کوهپایه‌ها، همچنان به عنوان ایستگاهی موقت برای مهاجرین جدید عمل می‌کند. از نظر کالبدی، در اکثر نقاط بسیار متراکم و نامنظم است. به تبع عمر متفاوت سکونت اهالی محل بخش‌های مختلف محله از خصوصیات اجتماعی - اقتصادی و جمعیتی متنوعی برخوردار است. مطالعات مربوطه، در پنج بخش و به شرح زیر انجام شد:



در مطالعات انجام گرفته در سطح استان، با بررسی شرایط اجتماعی، جمعیتی و اقتصادی استان سیستان و بلوچستان این نتایج استنتاج شد:

- روند مهاجرت به شهر زاهدان، علیرغم نوسانهای موجود همچنان ادامه خواهد یافت و این امر فشار بر سکونتگاههای نابسامان را در آینده بیش از پیش افزایش خواهد داد؛

- در کوتاه مدت، به نظر نمی آید ساختار دوقطبی اقتصادی - اجتماعی استان دستخوش تحول عمده ای شود، و این مسئله شهر زاهدان را به صورت قطب جاذب منطقه همچنان حفظ خواهد کرد؛

- دستیابی به توسعه پایدار برای شهر زاهدان، در گرو ساماندهی و بهسازی سکونتگاههای نابسامان است. در غیر این صورت، پدیده شهری شدن فقر همچنان ادامه دارد و شتاب خواهد گرفت.

در مطالعات سطح شهر و محله، پیشینه شهر و محله، طرحها و برنامه های مصوب در چهار دهه اخیر بررسی و بانک اطلاعاتی محله بابائیان در قالب GIS و دقت بلوک شهری ایجاد شد. نتایج زیر استنتاجهای این مرحله از مطالعات به شمار می آیند:

۱. بررسی تجربه های جهانی و ایجاد ارتباط با مراکز مطالعاتی و پژوهشی بین المللی؛
۲. انجام مطالعات در سطح استان.
۳. انجام مطالعات در سطوح شهر و محله
۴. انجام مطالعات لازم به منظور نهادهای
۵. راهبردهای مداخله و اولویت ها

در بخش اول، به منظور مطالعه و انتقال دانش روز در این زمینه، از طریق اینترنت و نهادهای بین المللی مجموعه ای از مدارک جدید در مورد نحوه مواجهه با معضلات سکونتگاههای نابسامان جمع آوری و نسبت به ترجمه بخش هایی از آن اقدام شد. در این مطالعه، دو نکته اساسی می گنجید. اولاً، در این زمینه در سه دهه اخیر در جهان تحولات بنیادین و مهمی در نحوه مواجهه با معضل توسعه ناپایدار شهرها، یا به سخن دیگر، سکونتگاههای نابسامان رخ داده است. ثانیاً، در بین اعضای خانواده بین المللی، بسیاری از کشورهایی که با این معضل دست در گریبان اند، در حال تجربه اجرای روشهای نوین توانمندسازی برای رویارویی با مشکلات پیش رو هستند و گفتگویی بین المللی در این مورد در جریان است. حضور فعال تر ایران در این گفتگو می تواند مدیریت شهری معاصر ایران را در این امر یاری رساند.

- حدود یک سوم شهر زاهدان را سکونتگاههای نابسامان تشکیل داده‌اند که بخش اعظم آنها به اعتبار طرحهای مصوب جزء محدوده قانونی شهر درآمده است. محدوده قانونی شهر همواره توسعه ناپایدار در سمت و سوی غیرقانونی خود را شکل داده است. اجتناب ناپذیر بودن این توسعه در پیشینه اکثر شهرها منعکس است؛

- سکونتگاههای نابسامان در زاهدان همچنان در حال توسعه‌اند، ولی بابائیان به سقف توسعه خود رسیده است. به بیان دیگر، بابائیان بخشی از شهر زاهدان است که در حاشیه خود دستخوش مشکل حاشیه‌نشینی است. بخشی از حاشیه‌نشینان بابائیان مهمانان موقت محله‌اند و بابائیان برای آنها ایستگاه موقت به شمار می‌آید؛

- با توجه به نکات یاد شده، بابائیان از بافت‌های اجتماعی - اقتصادی متنوعی برخوردار است، ولی کل آن در اذهان عمومی از دیرباز یک محله بدنام جایگیر شده است؛

مطالعات لازم به منظور نهادسازی، با توجه به تجربیات بین‌المللی انجام گرفت. نتایج این مرحله مطالعات را می‌توان از قرار زیر خلاصه کرد:

- نهادهای اجتماعی - اقتصادی در سطح محله مجراهای ارتباطی شهروندان و مدیریت شهری به حساب می‌آیند و برای این که بتوانند به این رسالت خود عمل کنند، باید با حداقل دخالت نهادهای دولتی شکل بگیرند؛

- برای تحقق ارتباط منسجم بین مدیریت شهری و نهادهای مردمی، مدیریت دولتی باید در چارچوب خود، نهادهای لازم را پدید آورد، و به بیان دیگر، ساختارش را در ارتباط با زیرمجموعه خود، یعنی نهادهای محلی که به جامعه شهری و شهروندان تعلق دارد، تنظیم کند.

امر توانمندسازی بر دیدگاه "فقرزدایی" و "توسعه پایدار انسان محور" با تکیه بر مشارکت شهروندان و شهر (مدیریت شهری) متکی است. مشارکتی که براساس گفتگوی دو جانبه شکل می‌گیرد و شهروند با کسب هویت از طریق این گفتگو به زیستگاه خود نیز هویت می‌بخشد.

- براساس نکات یاد شده، طرحی شامل نهادهای پیشنهادی در ساختار مدیریت شهری و در محله بابائیان ارائه شد. زمینه‌سازی برای ایجاد نهادهایی چون "تشکل‌های محلی"، "سازمانهای غیردولتی" و "صندوق خرده وام" در دستور کار این طرح قرار گرفت.

در بخش مطالعات راهبردهای مداخله و اولویت‌ها در محله بابائیان، برنامه‌ها و طرحها در سه مقیاس خرد، میانی و کلان، و با برنامه زمانی کوتاه، میان و بلندمدت تنظیم شد. برای هر پروژه یا برنامه نهادهای دولتی و محلی ذخیل مشخص شده‌اند.

پنج بخش یاد شده، به طور همزمان و از آغاز طرح در دستور کار قرار گرفتند. خوشبختانه، با توجه به انجام حمایت‌های لازم و عزم نهادهای مدیریت شهری در زاهدان فرایند "ظرفیت‌سازی" برای حرکت به سوی تحقق طرحها و اهداف پیشنهادی آغاز شد.

ظرفیت‌سازی

با توجه به موافقت مدیریت شهری زاهدان، در مراحل آغازین انجام مطالعات "ستاد بهسازی محله بابائیان" شامل تمامی افراد ذخیل در مدیریت شهری تشکیل شد که در فرآیند انجام مطالعات، علاوه بر بررسی طرح، برای اجرای مصوبات آن پیگیری‌های لازم را انجام می‌دهد. با تشکیل کمیته فنی این ستاد، به عنوان ستاد اجرایی در محله بابائیان، زمینه‌های اولیه ارتباط بیشتر با مدیریت اجرایی در سطح محله به وجود آمد که این اقدام برای نخستین بار در جهت مواجهه فراگیرتر با معضلات سکونتگاههای نابسامان عملی می‌شد. ارزیابی عملکرد این دو نهاد، و به طور کلی امر نهادسازی در بخش مدیریت شهری می‌تواند بخشی از مشکلات موجود در این راه را نشان دهد.

سازمانهای دولتی ذخیل در مدیریت شهری در زاهدان، به سبب توسعه ناپایدار مداوم، تحت فشار فزاینده‌ای قرار دارند. ماهیت و وظایف و مسئولیت آنان "بخشی" است. دیدن معضل از دیدگاه فرابخشی و میان‌بخشی لازمه موفقیت عملکرد این نوع نهادهاست. بدون تقویت این دیدگاه در این نوع نهادها، حداقل امکانات بالقوه لازم برای تحرک کافی در جهت برقراری ارتباط منسجم با نهادهای بالادستی و پایین دستی فراهم نمی‌شود. در صورت تشکیل نهادهای موردنظر، بخصوص در زیرمجموعه نهادهای دولتی، احتمال دستیابی به اهداف موردنظر کاهش می‌یابد.

بخشهای مختلف مدیریت شهری، هر کدام برنامه و طرح



خاص خود را دارند و مسئول اجرای آن هستند. طبیعتاً در درجه اول هرگونه طرح و اقدامی را از دریچه برنامه و طرحی ارزیابی می‌کنند که در دستور کارشان قرار دارد. بدیهی است تقسیم کار در یک ساختار بخشی، همه سازمانها را به سوی برخوردی بخشی با هر طرح و برنامه‌ای با ماهیت فرابخشی و میان‌بخشی سوق می‌دهد. برای ایجاد ظرفیت‌های لازم، نه لزوماً انطباق، ولی حداقلی از تقارب دیدگاهها ضروری است. اگر فرآیند توانمندسازی فقط به عنوان تسهیل‌کننده تحقق طرحها و برنامه‌های موجود ارزیابی شود، اهداف اصلی این فرآیند از صحنه حذف خواهند شد. به این منظور، تفاهم نسبی بین اعضای این گونه نهادها در مورد خطوط کلی رویکرد به معضل سکونتگاههای نابسامان و توسعه ناپایدار ضروری است.

خطوط کلی رویکرد به سکونتگاههای نابسامان پیشینه و ریشه‌ها:

حاشیه‌نشینی، اسکان غیرقانونی، اسکان غیررسمی و اسکان نابسامان، عناوینی‌اند که تاکنون برای نامگذاری این پدیده، و این مشکل حل‌نشده از زاویه دید مدیریت شهری، به کار گرفته شده‌اند. روند تحول تنظیم صورت مسئله و

تلاش برای دستیابی به راه‌حل مناسب در این نامگذاری‌ها انعکاس یافته است. امروزه می‌دانیم که وجود سکونتگاههای نابسامان حاصل نادیده گرفتن کم‌درآمدترین اقشار جامعه در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی و توسعه شهرهاست. برنامه‌ریزی برای اسکان این اقشار بر عهده نهادهای دیگری در بخش عمران روستایی گذاشته شده بود که تا درصد قابل قبولی در اجرای برنامه‌های خود موفق بوده‌اند، ولی روند رو به رشد مهاجرت به شهرها همچنان ادامه دارد. این تجربه فقط متعلق به ما نیست. بسیاری از کشورها این پدیده و روند افزایش مهاجرت به شهرها را تجربه کرده‌اند و کشورهای دیگری نیز آن را تجربه خواهند کرد که نشان از اجتناب‌ناپذیر بودن آن دارد. در دو دهه اخیر، وقوع جنگ نیز چنان واکنشهای پیچیده‌ای را در جامعه و زندگی شهری ایران در پی داشت که در پایان جنگ تمامی مدیران شهری خود را با شهرهایی روبرو دیدند که زخم‌دار جنگ هشت ساله‌ای، چه کالبدی و چه اجتماعی - فرهنگی بر پیکرشان بودند. مهاجرت‌های برون مرزی نیز با نوسانهای شدید بر پیچیدگی کنش و واکنشهای داخلی افزود.

در ساده‌ترین حالت، به تبع این تحولات شهرهایی دستخوش تغییرات کیفی اجتماعی - فرهنگی و تضادها و

مشکلات جدیدی شده‌اند. گرچه این پدیده فقط خاص دوره بعد از انقلاب و روند حوادث دو دهه اخیر نیست. قبل از انقلاب نیز، به طور مشخص تهران، با معضل سکونتگاههای نابسامان (در آن روزها زاغه و حاشیه‌نشینی) دست در گریبان بود، ولی بنا بر شرایط، روش برخورد مدیریت شهری آن دوره با این معضل چنان آمرانه، از بالا و اقتدارگرایانه بود که هیچ تجربه مفیدی در این زمینه به بعد از انقلاب منتقل نشد و اکنون مدیریت شهری در ایران خود را با شهرهایی مواجه می‌بیند که بسیار پیچیده‌ترند، ولی در این روند ابزار برخورد با پیچیدگی مشکلات موجود فراهم نشده است.

ساختار مدیریت شهری

مقوله مدیریت شهری در ایران با توجه به تعریف امروزی آن بسیار جوان است. نهادهای مدیریت شهری در ایران تغییر اساسی و ساختاری پیدا نکرده‌اند. بنا بر ضرورت‌های کمی، فقط شهرداریها هستند که سازمان وسیع‌تر و تا حدی پیچیده‌تر پیدا کرده‌اند. در نخستین مرحله تغییرات ساختاری، یعنی تشکیل شوراهای شهر، این شوراها و شهرداریها تجربه ناموفقی را برای تقویت یکدیگر پشت سر نهاده‌اند، و عملاً یکدیگر را تضعیف کرده‌اند. شرایط حاضر و ماجراهای شورای شهر و شهرداری تهران به خوبی بازگو کننده راه دشواریست که در پیش داریم. ساختار مدیریت شهری در ایران باید خود را با شرایط جدید تطابق دهد. ساختار مناسب برای حل نسبی معضلات کنونی باید بتواند علاوه بر تغییرات ساختاری از "بالا به پایین"، از "پایین به بالا" نیز عمل کند. مشکلات کنونی شهرها بدون وجود این جریان دو طرفه و گفتگوی بین "شهروند" و "شهر" قابل حل نیستند. به بیان دیگر، حیات یک شهر چیزی نیست جز زندگی شهروندان آن، و زندگی شهروندان است که سرنوشت شهر را تعیین می‌کند. تلاش در جهت حل کردن مشکلات شهرهای امروز، بدون توجه به این نکته آب در هاون کوبیدن است. هرچه شهرها بزرگ‌تر می‌شوند، حیات پیچیده‌تری پیدا می‌کنند و این مسئله لزوم توجه به ایجاد ارتباط منسجم بین مدیریت شهری و جوامع شهری را ضروری‌تر می‌کند.

رویکرد مدیریت شهری به سکونتگاههای نابسامان مدیریت شهری فعلی در مقابله با پدیده اسکان نابسامان در دهه اخیر، واکنشهای متفاوت و به تبع آن اقدامات و برنامه‌های متفاوتی را دنبال کرده است؛ اما به طور کلی، روند اتفاقات را می‌توان چنین دید: مدیریت‌های شهری در زمان شکل‌گیری این مناطق حداکثر تلاش، هزینه و انرژی را صرف می‌کنند تا این روند را متوقف کنند و در اغلب موارد ناموفق‌اند؛ در مرحله بعدی، زمانی که منطقه ساخته شده جزو محدوده قانونی شهر قرار می‌گیرد، تازه روز از نو، روزی از نو، باز هم حداکثر هزینه و انرژی، ولی این بار برای ساماندهی و عمران این مناطق، صرف می‌شود؛ این دور تسلسل با افت و خیزهایی همچنان ادامه دارد. به همین دلیل، نخستین و دقیق‌ترین پرسش هر مدیریت شهری از هر طراح این است که آیا می‌توان از این دور تسلسل باطل خارج شد؟ مدیریت شهری فعلی تمامی دهه اخیر را با طی این تجربه سپری کرده است. شهرها همچنان در حال توسعه، و طبیعتاً توسعه ناپایدار، هستند.

برای کنترل این توسعه نظریه‌های گوناگونی مورد توجه قرار گرفته است که در دوره‌ای رایج‌ترین آنها جلوگیری از مهاجرت از روستا به شهر را می‌توان برشمرد. این نکته به عنوان نمونه، از طریق مقایسه پیش‌بینی‌های جمعیتی طرح‌های توسعه شهری با آنچه واقعاً رخ داده است، و روند افزایش شهرنشینی مشاهده می‌شود. مدیریت شهری برای مقابله با این امر فقط دو ابزار خاک و زنگار گرفته - طرح جامع و تفصیلی - را در اختیار دارد؛ ابزاری که همه پارامترها در آن مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد، جز توجه به زندگی شهروندان و جامعه شهری. طرح‌های جامع و تفصیلی حاصل حل معادلات "درجه اول خطی" هستند. و جوابهای آنها نمی‌توانند در درون پدیده‌های پیچیده‌ای با جوابهای معادلات "n مجهولی درجه nام"، عمل کنند. مدیریت شهری معاصر دوره‌ای دشوار و پرتنش را پشت سر گذاشته است، و همچنان خود را با مشکلات حل نشدنی روبرو می‌بیند.

بحران هویت

در دهه اخیر، بحث "هویت" در شهرهای ایران همواره به صورت یک پرسش، و گاه بحران، مطرح بوده است. اما مسئله هویت عمدتاً از بعد تاریخی آن مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر، لازمه وجود "هویت" شهر برای شهروند، وجود گفتگو میان این دو است. زمانی که گفتگویی در کار نباشد، طبعاً شناختی وجود ندارد و ارتباطی برقرار نیست و عدم شناخت هر پدیده‌ای آن را به موجودی بی‌هویت و فاقد

مدیریت شهری برای مقابله با این امر فقط دو ابزار خاک و زنگار گرفته - طرح جامع و تفصیلی - را در اختیار دارد؛ ابزاری که همه پارامترها در آن مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد، جز توجه به زندگی شهروندان و جامعه شهری.



غیررسمی (زمین غیررسمی، مصالح غیررسمی، نیروی کار غیررسمی) جملگی به طور سنتی و بسیار ماهرانه برای پذیرش این اقشار سازماندهی شده‌اند. بازار غیررسمی با حداکثر سود برنده، و مدیریت شهری با حداکثر هزینه، بازنده این جریان هستند.

درصد وجود بازار غیررسمی در هر شهر بازگویی میزان ناپایدار بودن توسعه آن شهر به شمار می‌آید. مراحل توسعه شهر برعکس طی می‌شود. به جای این که زیرساخت‌ها، و متعاقب آن سکونتگاه‌ها، شکل گیرند، اول سکونتگاه‌ها بدون وجود شاخص‌های حداقل توسعه شهری شکل می‌گیرند و بعد زیرساخت‌ها با هزینه‌های بیش از معمول و استاندارد تامین می‌شوند. ساز و کارهای بازار غیررسمی تکلیف توسعه شهری را تعیین می‌کنند. بدون تلاش در جهت ساماندهی و توانمندسازی بازار غیررسمی و به تبع آن مدیریت تأثیرات این امر بر بازار رسمی، هرگونه برنامه‌ای با عدم موفقیت روبرو خواهد شد. بازار غیررسمی هیچگاه داوطلبانه تعطیل یا منحل نخواهد شد، و سوداگران آن از منافع خود چشم نخواهند پوشید. این روند، به جای دربرگیری یکباره بازار غیررسمی به وسیله بازار رسمی - جابه‌جایی یک خط بر روی یک نقشه (محدوده قانونی شهر) - باید طی یک دوره انتقالی

شناسنامه تبدیل می‌کند. این عدم گفتگو، فقط امری عاطفی یا حسی نیست، امری واقعی است. نوسانهای ضوابط تراکم در شهرها به شهروندان ابلاغ می‌شود. ناگهان در خیابان همجوار یک پمپ بنزین احداث می‌شود. ابتدایی‌ترین گفتگویی بین "شهر" و "شهروند" وجود ندارد، و به همین دلیل "شهر" برای "شهروند" موجودی کاملاً بی‌هویت است که مستقل از "شهروند" به زندگی خود ادامه می‌دهد. چراکه شهروند زندگی خود را بر اثر اتخاذ تصمیم‌هایی دستخوش تغییر و تحول می‌بیند که خود در آن کوچکترین نقشی ندارد. شهر در سکوت کامل به زندگی خود ادامه می‌دهد. شکستن این سکوت در بحرانی‌ترین بخش توسعه شهرها، یعنی سکونتگاه‌های نابسامان، نقطه آغاز هرگونه اقدامی برای مواجهه با مشکلات است.

بازار رسمی و غیررسمی

اقتدار کم درآمد روستایی و شهری برای تأمین مسکن، معمولاً با تمامی سرمایه و نقدینگی خود به طور عمده در مناطق حاشیه‌ای شهرها سکونت می‌گزینند. بازار رسمی (مدیریت شهری، طرح‌های توسعه شهری، اراضی شهری) برای پذیرش این اقشار سازماندهی نشده است؛ ولی بازار



شهر (مدیریت شهری) متکی است. مشارکتی که براساس گفتگوی دو جانبه شکل می‌گیرد و شهروند با کسب هویت از طریق این گفتگو به زیستگاه خود نیز هویت می‌بخشد. میزان "انسان محوری برنامه‌های پایدارسازی توسعه‌های آتی تعیین کننده میزان موفقیت مدیریت‌های شهری خواهد بود. لازمه تحقق گفتگوی سازنده بین مدیریت شهری و شهروند، انجام امر آموزش به طرفین این محاوره به شمار می‌آید. در ابتدا، طرفین این گفتگو به لکنت‌زبان دچارند. آموزش و تمرین در این امر هر روز دیرتر آغاز شود، انجام آن دشوارتر خواهد بود. روش‌شناسی مورد اشاره در این یادداشت را در نمودار پیوست مشاهده می‌کنید.

و با مهیا کردن مقدمات این امر، و با مشارکت و گفتگو بین شهروند و شهر (مدیریت شهری) طی شود. یک محاسبه سرانگشتی در مورد سرمایه‌های در گردش در بازار غیررسمی، ابعاد موضوع را چنان که هست نشان می‌دهد. میزان سرمایه در گردش و ارزش‌های افزوده در این بازار، و مقایسه آن با بودجه‌ها و منابع مالی مدیریت شهری نیز میزان قدرت عمل مدیریت شهری در مواجهه با بازار غیررسمی را نشان می‌دهد.

بازتاب شهری شدن فقر و رابطه آن با ساختار کالبدی شهر

سکونتگاه‌های نابسامان در ارتباط با شرایط جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی خود دارای خصوصیات متفاوتی اند، ولی در شهرهای ایران در یک تقسیم‌بندی شاید بسیار کلی و تقریبی به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک گروه، شهرهایی که دارای پیشینه تاریخی و به اصطلاح معمول دارای بافت تاریخی هستند. به جهت نبودن موضوع و عدم تجربه عملی قابل توجه مدیریت شهری در این زمینه، و پدید آمدن بحران‌های حاصل، بافت‌های تاریخی جاذب مهاجران و اقبال کم درآمد شهری جویای مسکن شده‌اند. در این شهرها، بحران در مرکز شهر متمرکز شده است. از این جمله می‌توان به شهرهایی مانند اصفهان و یزد اشاره کرد. ادامه روند فرسودگی بافت‌های تاریخی ناشی از نقشی است که این بافت‌ها در جذب این اقبال پیدا کرده‌اند. در شهرهای فاقد هسته مرکزی قدیمی و تاریخی، مانند شهرهایی که در قرن اخیر شکل گرفته‌اند، مشکل به صورت تشکیل سکونتگاه‌های نابسامان، و به طور عمده در مناطق حاشیه‌ای شهر متجلی شده است. آنچه تمامی این سکونتگاه‌ها، با خصوصیات و موقعیت‌های متفاوت، در آن اشتراک دارند، فقر و پدیده شهری شدن آن است. خروج از این دور تسلسل فقط در صورت باور به امکان "فقرزدایی" قابل تصور است.

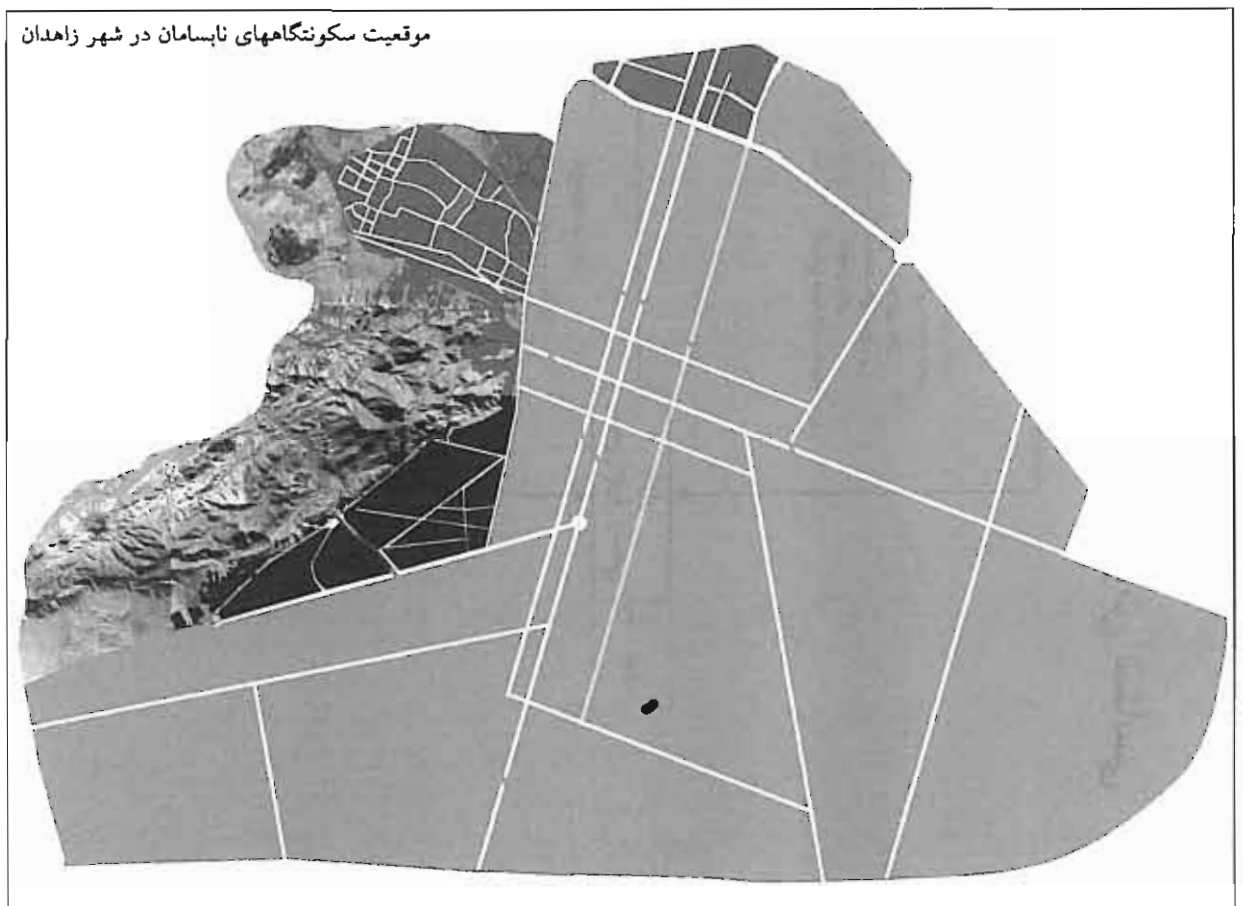
فقرزدایی و توسعه پایدار

"فقر صدقه نمی‌خواهند". این عبارت از سخنرانی "کوفی عنان" وام گرفته شده است. تمایز قائل نشدن بین "فقرزدایی" و "صدقه دادن به فقرا" منجر به ادامه روند سابق خواهد شد. مدیریت شهری مناسب شرایط امروز، به جای آن که خود را متولی توسعه شهر بداند، باید خود را متولی پایدار بودن این توسعه تلقی کند. لازمه پایدار بودن این توسعه، پایدار بودن زندگی شهروندان و به تبع آن پایداری نسبی اجزای اقتصادی و اجتماعی آن است. امر توانمندسازی بر دیدگاه "فقرزدایی" و "توسعه پایدار انسان محور" با تکیه بر مشارکت شهروندان و

✻ - موفقیت مطالعات طرح توانمندسازی محله بابائیان مدیون تلاش‌های بیدریغ گروه مطالعاتی طرح، آقایان مهرداد جواهری پور و فردین یزدانی و مشاور عالی طرح آقای کمال اطهاری و مشول روابط بین‌المللی آقای دکتر بابک داورپناه است. مهندسین مشاور معمار عرش، در حال حاضر مسئولیت انجام مطالعات "طرح امکان‌سنجی توانمندسازی و بهسازی محله‌های نابسامان زاهدان با دیدگاه شهرنگر" را برای کمیسیون ملی اسکان بشر و سازمان عمران و بهسازی شهری، که بودجه آن را بانک جهانی تامین کرده است، برعهده دارد.



موقعیت سکونتگاههای نابسامان در شهر زاهدان



روش شناسی

